

# زمانی میاسای از آموختن

## مجموعه مقالات همایش ملی شاهنامه و تعلیم و تربیت

قطب علمی فردوسی‌شناسی و شاهنامه دانشگاه فردوسی مشهد

مؤسسه فرهنگی، هنری سرای فردوسی

انجمن ترویج زبان و ادب فارسی شعبه خراسان

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی

انجمن علمی - آموزشی معلمان زبان و ادبیات فارسی خراسان رضوی

به کوشش:

دکتر سیدعلی کرامتی مقدم

با نظارت:

دکتر محمدجعفر یاحقی

مشهد، اردیبهشت ۱۳۹۷

## نقش شاهنامه فردوسی در همگرایی ملت‌های ترک و فارس زبان در آسیای صغیر

دکتر عباس سرافرازی  
دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

از زمانی که حکومت‌های ترک نژاد غزنویان و سلجوقیان روی کار آمدند به مدت هزار سال ترک‌ها حاکمیت سیاسی داشتند، آنان با مردم ایران آمیختند و فرهنگ ایرانی را قبول کرده و زبان فارسی را در کار دیوان و حکومت و هنر مورد قبول قرار دادند، دوران اوج و شکوفایی هنر و فرهنگ و ادبیات فارسی از فردوسی گرفته تا خیام و حافظ و سعدی و نظامی گنجوی همزمان با همین حکومت‌های ترک نژاد بود که خود مشوق و رونق بخش زبان و ادب فارسی شدند آنان زبان فارسی را به آسیای صغیر برده و زبان دیوانی و درباری خود قرار دادند. دربارهای سلاجقه روم و عثمانی به زبان فارسی احترام می‌گذاشتند و در مکاتبات و مرسولات زبان فارسی را بکار می‌بردند. شاه اسماعیل به زبان فارسی نامه می‌نوشت و شعر می‌گفت؛ همان‌طور که سلطان سلیم اول به فارسی و ترکی شعر می‌گفت و حتی دیوان شعر به فارسی دارد. در آسیای صغیر به تقلید از شاهنامه دیوان‌های شعر بسیاری سروده شده است که نشانگر اهمیت و رویکرد ترکان آسیای صغیر به شاهنامه فردوسی است. محبوبیت و منزلت شاهنامه در نزد سلاجقه روم و عثمانیان گذشته طولانی دارد و نظیره‌هایی برای شاهنامه در این سرزمین و قفقاز نوشته و تقلید شده است مانند: غزای سلیمانی، شاهنامه بهستی، مرآت عثمانی و حتی یکی از شعرای عثمانی به نام ادیجک لی معروف به «اوزون فردوسی» است.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، عثمانی، سلاجقه روم، شاهنامه، فردوسی

#### مقدمه

از آنجایی که حماسه سرایی تأثیر بسزایی در حفظ هویت ایرانی خصوصاً ایرانیان و خراسان و ماوراء النهر داشت حکومت‌هایی که از شرق ایران ظهور کردند در صدد برآمدند برای حفظ هویت ایرانی اقدام نمایند. از زمانیکه حکومت‌های ترک نژاد روی کار آمدند متوجه شدند تا هنگامی که به هویت و فرهنگ و آداب و سنن ایرانی احترام نگذارند حکومت آنان رسمیت نخواهد یافت و مورد تأیید مردم قرار نخواهد گرفت؛ به این خاطر به هنر و ادب و فرهنگ ایرانی توجه شد و یک همزیستی مسالمت آمیز بین ایرانیان و ترکان پدید آمد و مردم ایران حکومت‌های ترک نژاد را از خود دانستند و پادشاهان آنان را خودی تلقی کردند. این مسئله باعث گردید ترکان بزودی خود به مقلدان و مشوقان زبان و ادب فارسی تبدیل شوند و زبان فارسی را در هند و آسیای صغیر و دیگر نقاط گسترش دهند. یکی از کتابهایی که مورد توجه آنان واقع گردید شاهنامه فردوسی بود.

شاهنامه بزرگترین منظومه حماسی ایران است که در دوره حکومت ترک نژاد غزنویان سروده شده است. دوره غزنویان عصر طلایی شعر سرایی در ایران است که به خاطر تشویق پادشاهان این سلسله و حمایت از شعر فارسی دیوان‌های شعر بسیاری سروده شد در رکاب محمود غزنوی چهارصد شاعر حرکت می‌کردند و شعر می‌سرودند. دیوانهای شعر بسیاری در این دوره نوشته شد از جمله اثر حماسی ابو القاسم فردوسی شاهنامه که از عظیم‌ترین آثار حماسی ملل عالم است بزودی همانند نوبی شاهنامه آغاز گردید و این کتاب در بین بسیاری از ملت‌ها محبوبیت یافت و به عنوان یک اثر حماسی اساطیری و پهلوانی رزمی و عارفانه مورد توجه واقع شد بزودی ترجمه‌هایی به زبان‌های دیگری از شاهنامه انجام پذیرفت با اینکه اولین ترجمه را قوام الدین فتح بن علی بن محمد بنداری در سال ۶۲۰ هـ به عربی انجام داد اما دومین، سومین و چهارمین ترجمه جهانی از شاهنامه توسط ترکان عثمانی صورت پذیرفت گرچه استادان ترک زبان اعتقاد دارند اولین ترجمه شاهنامه به زبان ترکی بوده است.

قدیمی‌ترین ترجمه شاهنامه به زبان ترکی در سال ۸۵۴ هـ در دوره سلطان مراد دوم (۸۶۰ - ۸۲۵ هـ / ۱۴۵۵ - ۱۴۲۱ م) صورت گرفت که ایرج افشار در کتابشناسی فردوسی ذیل ۹۴۱ در سال ۱۳۶۵ به آن اشاره نموده است. دومین ترجمه شاهنامه به ترکی در زمان سلطان سلیم در

سال ۹۱۶ توسط علی افندی صورت پذیرفت که در دست است و ژول مول اعتقاد دارد این ترجمه به زبان ترکی را برای قانصو غوری (قانصو قاوری) از ممالیک مصر هدیه کرده است (مول، مقدمه: ۶۴) سومین ترجمه را هامر پور گشتال عنوان نموده که در زمان سلطان سلیمان فردی به نام جلیلی منظومات فارسی را سر مشق خود قرار داده و حکایات شیرین و خسرو و لیلی و مجنون را به نظم در آورد و شاهنامه را ترجمه کرد (هامر پور، ج ۲: ۱۱۹۱) در سال ۱۰۳۰ هـ ترجمه‌ای از شاهنامه توسط شخصی به نام مهدی در دربار عثمانی صورت پذیرفت، احتمالاً قدیمی‌ترین آثاری که به سبک و سیاق شاهنامه در دربار عثمانیان نوشته شده در زمان سلطان محمد فاتح بوده چون نویسندگان این دوره تحت تأثیر زبان و ادبیات فارسی بودند و آثاری به سبک شاهنامه در مدح سلطان تدوین کردند در این زمان شخصی به نام شهیدی دیوانی به فارسی در چهارهزار بیت به وزن و سبک شاهنامه فردوسی به نام سلطان محمد سرود (جی شاو، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۵۴) در دوره بایزید دوم در سال ۹۰۴ هـ ادیچک لی (اوزون فردوسی) معروف به (فردوسی روم) متوفی به سال ۹۱۴ هـ آثار منظومی از خود به یادگار گذاشت، شهنشاه نامه یا مرآت عثمانی را شاعری به نام صدرالدین سرود قطب نامه فردوسی رومی درباره حوادث محاصره "مدلل لی" وقایعنامه منظومی است که در سال ۱۹۸۰ م در آنکارا توسط خانم طاهره کومور به چاپ رسیده است، در سال‌های قبل از ۹۴۳ هـ شاعری به نام محرمی منظومه‌هایی به زبان فارسی تحت عنوان «شهنشاه» به تقلید از فردوسی سرود که از خسرو و شیرین نظامی هم تأثیر پذیرفته است برخی زادگاه وی را اردبیل می‌دانند که در درستی آن تردید است، فتح الله عجمی از شعرای سالهای ۹۶۲ هـ در دوره سلطان سلیمان می‌زیست و شاهنامه چی او بود اشعار بسیاری در باره سفرها و جنگ‌های وی به متابعت از شاهنامه سروده است، دیوانی به نام سلیمان نامه به تبعیت از شاهنامه فردوسی توسط عبدالرحمن غباری در سال‌های ۹۵۰ هـ به بعد سروده شده وی خوشنویس بود و خطی در عثمانی به نام خط غباری منصوب به وی است. از اشعار وی:

ای غبار تحف ز جوهریان لعل یاقوت در عدن باشد

در جهان عادت قدیم ای است تحفه شاعران سخن باشد

در دوره مراد سوم (۱۵۷۴-۱۵۹۵ م) شاهنامه بهشتی در باب جنگ‌های وی که پسر سلطان سلیم دوم است سروده شده این شاهنامه در باب جنگ‌های وی با محمد خدابنده صفوی است که مولانا بهشتی مشکوکی در سال ۹۸۵ هـ آن را به پایان برده است، در دوره سلطان مراد چهارم (۱۶۲۳-۱۶۴۰ م) ابراهیم ارزرومی شاعر و تاریخ‌نگار عثمانی که مشهور به خواجه جان پولادزاده و متخلص به ملهمی است به دستور مراد حوادث ایام وی را با الهام از فردوسی سرود و آن را «شهنشاه نامه مرادی» نام نهاد این دیوان به فارسی است وی در مقدمه دیوان علت سرودن دیوان به فارسی را به خاطر فهم آسان آن برای پادشاه عثمانی می‌داند شهنشاه نامه با این بیت آغاز می‌شود: به نام خدای جهان آفرین // برازنده آسمان و زمین.

بطور کلی ترکان ادبیات منظوم را ارج می‌نهادند و از آنجایی که ادبیات منظوم بهتر و سریعتر به خاطر سپرده می‌شد آنان به تواریخ منظوم اهمیت می‌دادند «ترکان همیشه دوستدار شعر مردمی و شعر کلاسیک بوده‌اند و سخن‌موزون را بهترین هنر ادبی پس از داستان کوتاه و دلپسندترین وسیله احساسات می‌شمرده‌اند هنگامی که از ادبیات کلاسیک عثمانی که دارای مضامین محدود و دشوار است سخن می‌گوییم باید ادبیات توده‌ای را که گنجینه‌ای از قصیده‌ها و حماسه‌های کهن تورانی است از آن جدا کنیم (و وسینیچ، ۱۳۶۶: ۷۸) شاهنامه فردوسی در زمره کتابهایی بود که از این جهت می‌توانست این روحیه را افناعت سازد.

سلاجقه روم از جمله حکومت‌های ترک نژاد بود که در آسیای صغیر تشکیل شد آنان به تقلید از سلاجقه بزرگ که در ایران حکومت می‌کردند زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی و اداری خود مورد استفاده قرار دادند و به توسعه بیشتر زبان فارسی در آسیای صغیر کمک کردند و دومین شاهنامه را به سبک شاهنامه سرودند، نظام‌الدین ارزنجانی شاعر و دولتمرد دستگاه سلاجقه روم که تا سال ۶۲۵ هـ در دوره کیقباد سلجوقی زنده بود شاهنامه‌ای به پیروی از فردوسی سروده که فتنامه‌ای در ستایش پیروزی کیقباد است وی با مولوی نیز ملاقات داشته است از آنجا که کیقباد در سال ۶۱۶ هـ / ۱۲۱۹ م روی کار آمد و به مدت ۲۲ سال تا سال ۶۳۸ هـ / ۱۲۴۱ م حکومت کرد و از آنجایی که سلطان محمد خوارزمشاه در سال ۶۱۷ قوت نمود می‌توان گفت اولین شاهنامه‌ای که در نزد پادشاهان ترک زبان پس از فردوسی سروده شده است «شاهنامه پاییزی» است که در دوره محمد خوارزمشاه سروده شد.

از جمله مسائلی که به انگیزه شاهنامه نویسی در دربار سلاجقه کمک کرد سروده شدن اسکندرنامه نظامی گنجوی است. وی دنباله داستان اسکندر را به تقلید از فردوسی به رشته نظم در آورد و دیوان‌های خود را به پادشاهان و متابعان سلاجقه روم تقدیم کرد مخزن الاسرار را که دارای ۲۲۶۰ بیت است به بهرام شاه داوود پادشاه ارزنگان از پیروان قلیچ ارسلان سلجوقی (متوفی ۶۲۲ هـ) و خسرو و شیرین را به نام طغرل بن ارسلان سلجوقی (۵۹۰-۵۷۳) و قزل ارسلان ایلدگر تقدیم داشت. سروده شدن اینچنین منظومه‌هایی در آسیای صغیر تقلید گردید و به انگیزه شاهنامه نویسی کمک نمود.

بهاء‌الدین احمد بن محمود قانع طوسی از شاعران پارسی‌گوی ایرانی در خدمت علاء‌الدین کیقباد سلجوقی بود وی سلجوق نامه را سرود که منظومه‌ای در شرح سلطنت سلاجقه است امروز قسمتی از اشعار آن باقی مانده است که در کتاب "الوامرالعلائیة" نوشته ابن بی بی ذکر شده و برخی اعتقاد دارند سلجوق نامه ابن بی بی همان سلجوق نامه قانع است که از نظم به نثر در آمده است اشعار این کتاب کاملاً به تقلید از شاهنامه فردوسی سروده شده است تأثیر شاهنامه در آسیای صغیر آنقدر زیاد بوده که انگیزه‌ای برای انتخاب اسامی شاهنامه برای پادشاهان سلسله‌های ترک نژاد شده است اولین پادشاهان سلجوقی اسامی ترکی دارند مانند سلجوق، طغرل و... اما نسل‌های بعد نام‌های اسلامی و ایرانی به خود می‌گیرند مانند ملک شاه و تاج‌الدوله اما آخرین پادشاهان این سلسله نام‌های ایرانی محض دارند مانند ایران‌شاه، توران‌شاه و بهرام‌شاه سلاجقه روم نیز اسامی شاهنامه‌ای مانند کیکاووس، کیقباد و کیخسرو دارند این نوع نام گذاری در بین ترکان غزنوی وجود داشت اسامی مانند شیرزاد، بهرام‌شاه خسرو شاه و خسرو ملک بر روی پادشاهان متأخر غزنوی نشان نفوذ داستانه‌های اساطیری و ایرانی و شاهنامه‌ای در بین آنان دارد. می‌توان گفت اولین ترکانی که به تقلید از شاهنامه شعر سرودند ترکان خوارزمشاهی بودند که نخستین حماسه تاریخی را در باب سلطان محمد خوارزمشاه سرودند که شرح فتوحات وی بود و آن را «شاهنشاه نامه پاییزی» نامیدند این کتاب منظومه‌ایست به بحر متقارب و به پیروی از فردوسی سروده شده است. عوفی در لباب الالباب شاعر را مجدالدین محمد پاییزی نسوی معرفی کرده است (عوفی، ۱۳۶۱، ج ۲، ۳۴۵).

از دیگر دلایل توجه ترکان به شاهنامه علاقه‌ای بود که برخی از قبایل ترک به نسب نامه سازی داشتند در بین ترکان غزنوی، قراختایی و ترکان سلجوقی این تمایل وجود داشته است آنان از روایات و احادیث ایرانی در باره کلمه توران و اشتقاق این اسم از "تور" که فرزند فریدون پادشاه بزرگ داستانی ایران است استفاده کرده و سعی نموده‌اند نسب خود را به پادشاهان داستانی توران برسانند تا بتوانند بنا بر عادت ایرانیان که شرف و نسب و انتساب به خاندان‌های قدیم ایرانی را شرط پادشاهی می‌دانسته‌اند بر آنان حکومت کنند، به این خاطر و برای دلخوش نگهداشتن و راضی نگهداشتن ایرانیان رسم شهنامه خوانی و شاهنامه نویسی را ادامه دادند.

حضور شعرا و دیوان سالاران پارسی زبان در دربار پادشاهان ترک نژاد و کثرت آن‌ها باعث گردیده پادشاهان توجه نمایند حضور وزرای ایرانی در دربار پادشاهان سلجوقی و حمایت آنان از نظم و نشر پارسی علت دیگری در اهمیت یافتن شاهنامه سرایی در دربار پادشاهان ترک بوده است. پادشاهان ترک مانند همه صاحبان قدرت دوست داشتند نام و آوازه آنان در جهان باقی بماند و دوست داشتند ذکری از شرح فتوحات آنان بشود به همین خاطر همیشه در دربار آنان افرادی به نام «شه نامه گو» حضور داشتند که وظیفه آنان بیان شرح جنگ‌های عثمانیان به سبک شاهنامه و خواندن شاهنامه بوده است.

در دوره سلطان سلیم شهنامه نویسی رواج بیشتری گرفت چون وی فتوحات بسیاری را برای عثمانیان انجام داد مصر، عراق، شام و مکه و مدینه را تصرف نمود و قصد تصرف ایران را داشت که موفقیتی حاصل نکرد بنابراین وی شایق بود که شرح فتوحاتش به سبک حماسی نثر بعادت چهار نفر به نام‌های مدیری، شمسی، هزارپاره و عارف سلطنت همه پادشاهان عثمانی تا دوره خودشان را به نظم در آوردند و این چهار نفر را «شاهنامه چی» می‌گفتند زیرا مانند شهنامه فردوسی که تاریخ شاهان ایران است، حالات پادشاهان عثمانی را نظم کردند (هامر گشتال، ۱۳۶۷، ج ۲: ۱۳۲۰) در دوره سلطان سلیمان قانونی (باشکوه) هم اشخاصی به نام عارف، لقمان و تعلیقی زاده شاهنامه چی دربار بودند و شرح رویدادهای دوره سلطان سلیمان را از ۹۲۶ تا ۱۰۰۳ هـ به شعر سرودند که شاهنامه لقمان در سه جلد به نظم فارسی مورد

توجه است «سلیمان نامه عارف» به سبک شاهنامه است و در مدح سلطان سلیمان سروده شده است.

پادشاهان سلجوقی روم بعضاً خود ادیب و شاعر دوست و ادب پرور بودند، آنان اکثراً به زبان فارسی تسلط داشتند و از کودکی خط و زبان فارسی به آنان تعلیم داده می‌شد و زبان فارسی یکی از دو زبان اصلی دربار سلاجقه بود، غیاث الدین کیخسرو اول مردی آگاه به سیاست و ادیب و شاعر بود و اشعاری به زبان فارسی دارد و محمدبن سلیمان راوندی کتاب «راحة الصدور و آية السرور فی تاریخ بنی سلجوق» را به فارسی نوشت و به وی تقدیم کرد که یکی از متون کهن فارسی در آسیای صغیر است، عزالدین کیکاوس دوم (۶۱۶ هـ / ۱۲۱۹ م) نیز شاعر و ادیب بود و اشعاری به فارسی دارد در دوره پادشاهان سلجوقی صدها کتاب و دیوان فارسی تألیف شده و به نام آن‌ها تقدیم شده است (اوردینر، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۹) نخستین پادشاهان عثمانی نیز چون از معتقدان فرقه‌های مختلف صوفیه خصوصاً مولویه بودند به فارسی خوانی اهمیت می‌دادند آنان آثار ادیبان بزرگ فارسی زبان را مطالعه می‌کردند و با برخی از شعرا و ادبای زمان خود در تماس بودند، اشعار بسیار زیبایی از سلطان سلیم اول بجا مانده است نامه‌های وی به شاه اسماعیل اول صفوی همه به زبان فارسی است، سلیم کتاب تاریخ و صاف را که کتابی بسیار مغلط و پیچیده است را به راحتی می‌خواند که نشانگر تسلط وی به زبان فارسی است منظومه‌های فارسی سلیم به خط خودش در موزه توپ قاپی نگهداری می‌شود (همان: ۳۲۶) سلطان سلیمان در شعر فارسی محبی تخلص می‌کرد و دیوان چاپ شده دارد در موزه توپ قاپی سرا چرک نویس‌های پراکنده‌ای از منظومه‌هایش به خط خود او نگهداری می‌شود. از آنجا که شاهنامه اهمیتی به سزا در نزد مردم جهان داشت و بزرگترین کتاب پارسی است برخی برای این کتاب ارزشی آسمانی قائلند بطوریکه ابن اثیر آن را «قرآن عجم» نامیده است این تعبیر هم بعد اعتقادی و هم وجه ملی و ارزش ادبی دارد که قرآنی بوده به یگانه پرستی و مسلمانی ایرانیان و فردوسی اشاره دارد که از اشعار وی متجلی است لذا اعتقادات آفریننده شاهنامه و ملت وی را نشان می‌دهد، اهمیت این کتاب تا به آنجا است که عموماً جزو هدایا قرار می‌گرفت که برای بزرگان ارسال می‌گردید ما سه نمونه از اهداء این کتاب به دربار عثمانی سراغ داریم: القاسم میرزا (القاص) برادر مخالف شاه نهماسب که علیه

وی شورش کرده و با عثمانیان به همکاری پرداخت از جمله هدایایی که برای سلطان سلیمان فرستاد مجلدات زیبایی بود از قرآن و شاهنامه‌های مرغوب و دیوان‌های شعرای نامی فارسی با جلدهای گرانبها (هامرپور، همان، ج ۲: ۱۱۹۱) عبدالله خان ازبک نیز زمانی که به حضور سلطان سلیمان رسید دو جلد قرآن، یک جلد شاهنامه به همراه جامه‌های پوست خز و سنجاب هدیه داد (همان: ۱۵۹۶) از جمله شاهنامه‌های دیگری که به سلطان سلیمان هدیه داده شد شاهنامه گرانبهای شاه تهماسبی بود که در دوره شاه اسماعیل به وسیله مشهورترین هنرمندان دوره صفوی و طی حدود ۲۰ سال نگارگری شد و در دوره فرزندش تهماسب به پایان رسید این اثر با دویست مینیاتور یکی از شاهکارهای نگارگری به حساب می‌آید که توسط شاه تهماسب برای سلطان سلیمان اهدا شد. (سیوری، ۱۳۶۳: ۲۶۱)

آنچه لازم به ذکر است آن است که سرودن شاهنامه در وصف مناقب و محاسن و جهانگشایی و جهانداری در بین سلاطین ترک نژاد از دوره غزنویان آغاز شده و بقیه آن را تقلید کرده‌اند و همین امر انگیزه‌ای برای سلاطین عثمانی گردیده و باعث توجه آنان به شاهنامه گردیده است یکی از انگیزه‌های استقبال از شاهنامه روحیات و خصصت‌ها و صفات پسندیده و انسانی است که در شاهنامه وجود دارد صفات بارز اخلاقی و پهلوانی و فتوت و جوانمردی که انسان‌ها ذاتاً و فرتا به آن‌ها گرایش دارند و از آنجا که این صفات به خوبی در شاهنامه نمایان است مورد توجه قرار گرفته است.

بیان احساسات ملی و توجه به احساسات قهرمانی، پهلوانی و پیروزی‌ها علت دیگری بود تا آنان در قالب حماسه‌های تاریخی و به تقلید از شاهنامه پردازند و هر سلسله حکومتی در صدد بودند اعمال قهرمانی پادشاهان خود را به زبان حماسی بیان کنند بنابراین به تأسی از شاهنامه حماسه‌های تاریخی در وصف پادشاهان خود سرودند بنابراین ترکان در رواج شاهنامه دو کار انجام دادند یا خود شاهنامه فردوسی را نسخه برداری کردند و نوشتند یا دیوان‌های شعر در مورد اعمال و فتوحات و جنگ‌های خود به سبک شاهنامه بوجد آوردند.

جالب است که حتی مغولان که به ضرب شمشیر و فتوحات و خونریزی به قدرت رسیدند زمانیکه بحث تثبیت قدرت پیش آمد متوجه شدند برای ماندگاری در ایران بایستی به مدنیت ایرانی احترام بگذارند آنان که در ابتدا تخریب کنندگان فرهنگ و تمدن ایرانی بودند در صدد

برآمدند روحیه خود را تلطیف کنند در دوره آنان نیز به شاهنامه توجه ویژه‌ای شد و حماسه‌های تاریخی به تبعیت و تأسی از شاهنامه سروده شد از جمله یک حماسه تاریخی توسط حمدالله مستوفی به نام ظفر نامه سروده شد که در حدود سال ۷۳۰ هـ خاتمه یافت وی قصد پیروی از شاهنامه را داشته است و سروده است:

ظفرکن نام این نامه را بدین تازه رسم شهنامه را

یک شاهنامه نیز در احوال چنگیز خان و جانشینان وی تا سال ۷۳۸ هـ توسط احمد تبریزی سروده شد (صفا، ۱۳۶۹: ۳۵۷) این منظومه در دوره سلطان ابوسعید بهادر خان و سه سال پس از اتمام ظفر نامه به پایان رسیده است نخستین بیت آن چنین است: «به نام خداوند جان آفرین // نگارنده آسمان و زمین» و در مقدمه آن آمده است: «شهنشاه نامه نهم نام این // به نام شهنشاه روی زمین» صفویان با اینکه ترک زبان بودند اما حکومت ایرانی محسوب می‌شدند در راستای بوجود آوردن وحدت ملی و اولین دولت ملی در ایران پس از سقوط ساسانیان و ظهور اسلام گام برداشتند آنان به شاهنامه نویسی شاهنامه خوانی و تقلید از شاهنامه تأسی جستند، به هر صورت شاهنامه به عنوان کتاب و دایرة المعارف حکمت و خرد و آیین نامه مملکتداری مورد توجه تمامی پادشاهان بوده است در آذربایجان و قفقاز نیز که اکثریت ترک زبان بوده‌اند شاهنامه خوانی رواج داشته است تا سال ۱۹۰۰ میلادی در این منطقه چون شاهنامه به ترکی ترجمه نشده بود و فارسی در این منطقه رواج داشت سنت توجه به شاهنامه و شاهنامه خوانی مثل هند و عثمانی وجود داشت حتی این سنت پس از الحاق این سرزمین به روسیه در قرن نوزدهم نیز ادامه یافت، در نواحی مختلف از جمله باکو، دربند، لنکران، قره باغ و گنجه، شاهنامه خوانان به شاهنامه خوانی مشغول بودند و در خانه‌های مردم کاخ‌های امرا و حاکمان و اشراف و بزرگان یکی از کتابهایی که همراه قرآن همیشه وجود داشت شاهنامه بود از مهمترین شاهنامه خوانان این دوران میرزا تقی لنکرانی است، برای اولین بار در سالهای ۱۹۰۶ م اولین ترجمه‌های ترکی از شاهنامه در آذربایجان و قفقاز رواج یافت و شخص به نام "رشید افندی زاده" داستان رستم و سهراب را به ترکی ترجمه کرد تا آن زمان ترجمه ترکی از شاهنامه وجود نداشت چون مردم زبان فارسی را کم و بیش می‌دانستند و حتی جدایی این سرزمین‌ها در طی جنگ‌های ایران و روسیه و تحمیل قراردادهای گلستان و ترکمن‌چای نتوانسته بود

زبان فارسی را با رکود مواجه سازد، خصوصاً در محافل ادبی و علمی و فرهنگی آشنایی کامل با زبان فارسی وجود داشت در سالهای بعد ترجمه داستان‌های دیگری از شاهنامه به صورت پراکنده صورت پذیرفت افرادی مانند میرزا علی اکبر صابر، ابراهیم طاهر و دیگران داستانهایی از شاهنامه فردوسی را به ترکی ترجمه نمودند، تا اینکه آقای محمد مبارز شاهنامه را کامل به ترکی در قفقاز و آذربایجان ترجمه کرد و در باکو به چاپ رسانید که از همین چاپ متخسی در تهران با عنوان «فردوسی نین شاهنامه سی» توسط آقای عبدالکریم منظوری خامنه چاپ شد، تأثیر سیاسی شاهنامه در بین مردم قفقاز بسیار زیاد است از زمانیکه سیاست روسی سازی توسط حکومت تزارهای روسیه بالا گرفت و خصوصاً در سال‌های ۱۸۹۸ م مردم غیر روس از جمله مسلمانان در قفقاز و ارمنیان و گرجی‌ها که حاضر نبودند زیر سلطه روسها قرار گیرند به حزب سوسیال دمکرات پیوستند و در صف مخالفان حکومت تزاری قرار گرفتند، این پیوستگی یک عکس العمل ملی اقلیت‌ها بود نسبت به سیاست روسی سازی و مستهلک نمودن ملیت‌های غیر روسی در جامعه واحد روسی در همین دوره برخی از نخبگان و روشنفکران قفقاز که پیرو حزب سوسیال دمکرات قفقاز بودند توجه ویژه‌ای به فرهنگ کلاسیک ایران در سرزمین قفقاز و توجه به داستان‌های حماسی و اشعار فردوسی نمودند که جریان‌های ضد روسی کارهای ادبی خود را در جهت برانگیختن مردم و برای طرفداران خود می‌نوشتند نویسندگان قفقازی رویکردی انقلابی به شاهنامه و داستان‌های حماسی آن پیدا کرده بودند به عنوان مثال محمدامین رسول زاده رساله سیاسی «سیاوش عصر ما» را نوشت، عزیز حاجی بگلی اپراهای رستم و سهراب و لیلی و مجنون و ... را بوجود آورد، اشعار شاهنامه از بر و خواننده می‌شد و با توجه به شاهنامه روح ملی‌گرایی در مردم قفقاز نیز تقویت می‌شد این توجه نشانگر آن است که روح همگرایی بر محور شاهنامه بین ملت‌های ترک زبان و فارس زبان بسیار زیاد بوده و تعلق به یک منطقه خاص نداشته و در تمامی غرب ایران و آسیای صغیر و اران و آذربایجان و قفقاز به احترام زیادی برای شاهنامه قائل بوده‌اند و آن را سر مشق امور اجتماعی و سیاسی نظامی خود قرار می‌دادند بحث در خصوص رواج شاهنامه خوانی در قفقاز بسیار مفصل است یکی از کارهای ارزشمندی که در خصوص رواج شاهنامه در قفقاز صورت گرفته کتاب پر ارزش دکتر ولی صمد از تاجکستان است که تحصیلات وی در ادبیات فارسی

تاجیکی است وی کتاب خود را تحت عنوان «فردوسی و شاهنامه در قفقاز» تدوین نموده که محققان را از هرگونه تحقیق در این زمینه بی‌نیاز می‌گرداند در این کتاب پژوهشگران آذربایجانی (ارانی) ارمنی، گرجی و ترکمن که درباره شاهنامه کار کرده‌اند معرفی می‌شوند وی بخش‌های کتاب خود را تحت عناوین زیر دسته بندی و فهرست کرده است: فردوسی در قفقاز، فردوسی در جمهوری آذربایجان، فردوسی در گرجستان، فردوسی در ارمنستان، فردوسی در ترکمنستان، فردوسی در کشمکش، فردوسی در آذربایجان (دنباله) این کتاب را پرفسور رحیم مسلمانیان قبادیاتی به فارسی ترجمه کرده با ویرایش فاروق صفی زاده در تهران چاپ شده است (ولی صمد، ۱۳۸۷: مقدمه) در این کتاب مطالب جالبی در رابطه با رویکرد مردم آذربایجان، گرجستان، ترکمنستان و ارمنستان نسبت به زبان فارسی و شاهنامه و جو دارد و بیانگر آن است که شاهنامه و زبان فارسی، زبان و الگوی تفاهم و همگرایی و زندگی مسالمت آمیز میان ملت‌های مذکور بوده و در واقع این ملت‌ها فرهنگی واحد داشته‌اند که به زبان‌هایی مختلف تکلم می‌کردند به همین جهت است که وقتی اختلافی بین ایران و عثمانی حادث می‌شد پادشاهان صفوی شاهنامه برای آنان به عنوان هدیه و تعارف می‌فرستادند، این زبان و فرهنگ مشترک در بین دو ملت ترک و فارس تا آغاز قرن بیستم و جنگ جهانی اول وجود داشت در این زمان که مسئله فروپاشی عثمانی تحت عنوان مساله شرق «لاکستان دوغیان» در دستور کار اروپائیان قرار گرفت آنان در صدد بر آمدند ساز جدایی بین ملت‌ها را بنوازند و تحت عنوان پان ترکسیم، پان ایرانیسم و پان عربیسم ملت‌های منطقه را از یکدیگر جدا ساختند خط‌های جدید در ترکیه جدید و خط سرلیک را در تاجکستان بوجود آوردند و ملت‌ها را با فرهنگ غنی و دیرینه خود از جمله شاهنامه فردوسی بیگانه ساختند.

#### نتیجه

شاهنامه فردوسی کتاب گرانمایی است که مورد توجه ملت‌های مختلف قرار گرفته است این کتاب به عنوان دستورالعمل درس زندگانی و تفاهم بوده و به عنوان یک منظومه حماسی و تاریخی در شمار یکی از عظیم‌ترین آثار حماسی ملل عالم قرار گرفته است، از آنجا که شاهنامه فردوسی جنبه تعلیمی بسیار قوی داشته است تقلید از شاهنامه و شاهنامه سرایی در بین

ملت‌های مختلف رواج یافته است در بین ترک زبانان سال‌ها قبل از تشکیل حکومت عثمانی در آسیای صغیر شاهنامه خوانی رواج داشته و حکومت‌های ترک سلجوقیان روم و عثمانی توجه ویژه‌ای به این اثر تاریخی داشته‌اند آنان نه تنها مشوقان نسخه برداری از شاهنامه بودند بلکه شعرای دربار خود را و می‌داشتند تا به سبک شاهنامه دیوان‌های شعر در وصف فتوحات و قهرمانی‌هایشان سروده شود به این خاطر به تأسی از شاهنامه ظفرنامه‌ها و شاهنامه‌های بسیار در دربارهای ترک زبان به زبان ترکی و فارسی سروده شد که هر کدام ارزش اجتماعی، سیاسی و تاریخی خود را دارد شاهنامه اثرات عمیقی بر روح و دل و جان مردم می‌گذاشت و روحیات و خصلت‌های پسندیده و انسانی که در شاهنامه وجود داشت روحیه جوانمردی گذشت اخلاص و ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم را پرورش می‌داد آنچه که باعث روی آوری مردم به شاهنامه شد توصیه به صفات پسندیده و حمیده و بارز اخلاقی، پهلوانی و قوت و جوانمردی بود که انسان‌ها ذاتاً به آن گرایش دارند این نگاه می‌توانست نقطه اتصال ملت‌ها به یکدیگر باشد و آنان را جدای از جدال‌های قومی و زبانی و ایلی و عشیره‌ای به یکدیگر نزدیک سازد، شاهنامه کتاب دوستی و تفاهم بین مردم بود که هر قومی آن را می‌خواند خواسته‌های انسانی خود را در آن متجلی می‌یافت و در صدد بر می‌آمدن دستورات و سفارشات مندرج در آن را به کار بندند شاهنامه کتاب تفاهم و همزیستی دوستانه و سالم‌آميزانه بین ملت‌ها بوده است.

### کتابنامه

- اوردینر و دیگران. (۱۳۶۸). تاریخ عثمانی. ترجمه دکتر ایرج نوبخت. انتشارات کیهان
- افشار ایرج. (۱۳۵۶). کتاب شناسی فردوسی ذیل شماره ۹۴۱
- ژول مول. (۱۳۶۹). شاهنامه فردوسی. مقدمه ترجمه جهانگیر افکاری. انتشارات امیر کبیر. تهران
- جی شاو، استنفورد. (۱۳۷۰). تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید. ترجمه محمود رمضان زاده. انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ اول. مشهد
- سیوری، راجر. (۱۳۶۳). ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۹). حماسه سرایی در ایران از قدیمی ترین عهد تا قرن چهاردهم هجری. انتشارات امیر کبیر
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات در ایران. انتشارات فردوسی. چاپ هشتم
- عوفی، سدید الدین محمد. (۱۳۶۱). لباب الالباب. انتشارات زوار. تهران
- هامر پور گشتال، یوزف. (۱۳۶۷). تاریخ امپراطوری عثمانی. ترجمه میرزازکی علی آبادی. انتشارات زرین. تهران
- ولی صمد. (۱۳۷۸). فردوسی و شاهنامه در قفقاز. ترجمه رحیم مسلمانیان قبادیاتی ویرایش فاروق صفی زاده. تهران: نشر کارنگ
- و وسینچ. (۱۳۴۶). تاریخ امپراطوری عثمانی. ترجمه سهیل آذری